

چهره پیوسته قرآن

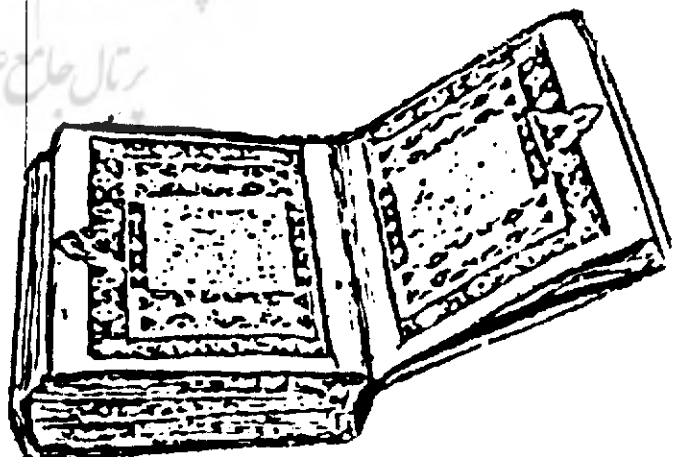
دیدگاه مخالفان

قسمت آخر

از آن زمان که علم مناسبات در میان قرآن پژوهان رواج یافت و کتابهایی تألیف گشت، همواره گروهی از قرآن پژوهان، این فن را با دیده انکار نگریستند، و آنچنان از آن استقبال نکردند و بنا نامها و تعبیرهایی چون: «علم مستکلف» «پیوسته‌های ناپیوسته»، «دانش بیهوده» به مسخره گرفتند و مؤلفین این علم را با عبارتهای گوناگون نکوهش کردند. مثلاً عزالدین عبدالسلام سلمی (م ۶۶۰ هـ) صاحب کتاب «الاشارة الی الایجاز فی بعض مجاز القرآن» از نخستین مخالفان علم مناسبات است که در این زمینه صریحاً سخن گفته و موضع خود را نشان داده است. وی در همین کتاب می‌گوید:

درست است که از زیبایی‌های کلام این است که بین جمله‌ها پیوستگی وجود داشته باشد، اما این معنا در صورتی خوب است که در کلامی باشد که آغاز و فرجام آن یکی باشد، اما اگر عوامل مختلفی در آمدن کلام نقش داشته، توقع تناسب و پیوستگی بی‌جاست و کسانی که بخواهند به نوعی پیوند برقرار کنند، در حقیقت دچار عمل متکلفانه‌ای شده‌اند و کلام خدا را زشت و ناهمگون ساخته و از جلوه اولیه خودش خارج کرده‌اند.^(۱)

شیخ محمد عبدالله غزنوی (م ۱۲۹۶) در باره این علم می‌نویسد:



۱- برهان الدین بقاعی، البرهان، ج ۱ / ۲۷ و الاشارة الی الایجاز فی بعض انواع الاعجاز / ۳۳۸، بیروت، دارالکتب العلمیه.

آورده که تکلف آور است، و در دریایی فرو رفته‌اند که شنا کردن در آن نا فرجام است. عمر خود را در فنی مصروف کرده‌اند که بسی بی فایده و زیان آور است. بلکه می توان گفت خود را در میدانی انداخته‌اند که سخن گفتن در آن ابداع رأی است که خداوند آن را برای کتاب خودش ممنوع کرده است. آنان به ارتباطهایی میان آیات اشاره می کنند که جز تکلف و سرگردانی چیزی به همراه ندارد. و به انحرافی روی می آورند که هر منصفی از آن دوری می گزیند. ببینید اگر درباره ادیب و صاحب سخنی چنین توجیهاتی شود و میان اشعار و خطبه های گوناگون و با فاصله او که در فرصتهای مختلف گفته، چنین ارتباطاتی بسازند او را باز می دارند، و کلام او را منزله از این پیوستگیها می دانند تا چه رسد به کلام پروردگار.^(۲)



فرید وجدی مؤلف دائرة المعارف و صاحب تفسیر المصحف المفسر، یکی از این مخالفین است. وی در مقدمه تفسیرش در توجیه این ناپیوستگی می نویسد:

مسأله ای نیست که بگویم قرآن قوانین کتابت های بشری را رعایت نکرده است. زیرا اگر می خواست همانند کتابهای بشری موضوعات را مرتب کند و برای آنها باب باب و فصل فصل کند و هر موضوعی را در باب و فصل خود جای دهد، دیگر قرآن و کتاب آسمانی نمی شد. کتابی مانند یکی از تألیفات انسانها می شد. نهایت چیزی که این کتاب با آنها تفاوت داشت نوعی تفوق الهی است. در صورتی که شأن کلام خداوند بالاتر از آن است که به شکل کتابهای بشری مقایسه شود و از قرآن

بدان که بیشترین از مفسران به دانشی تکلف آمیز و به سخنی ناهنجار روی آورده‌اند و در برابر دریایی موج و متلاطم تسلیم شده‌اند که شنا کردن در آن آسان نیست. عمر خود را در فنی مشغول ساخته‌اند که ره به جایی نمی برد و مفید فایده نیست، بلکه می توانم بگویم خود را در وادی قرار داده و از اموری سخن می گویند که سر از تفسیر به رأی در می آورد، در صورتی که می دانیم از تفسیر به رأی نهی شده است.^(۱)

شوکانی (م ۱۲۵۰ هـ) یکی دیگر از مخالفین سرسخت علم مناسبات است که در این باره سخن گفته است. نامبرده در تفسیر معروف خود در سوره بقره به مناسبت تفسیر قصه بنی اسرائیل که در قرآن پس از داستان حضرت آدم آمده و مفسرین موافق مناسبتهایی را نقل کرده‌اند برآشفته می شود و می نویسد:

بدان که بسیاری از مفسرین به علمی روی

۱- حجازی، محمد محمود، الوحدة الموضوعية، ص ۱۴.

۲- شوکانی، محمدعلی، فتح القدير، ج ۱/۷۲.

ترجمه خود بر قرآن می نویسد:

یکی از ویژگیهای اصیل سبک قرآن این است که جسته جسته است. به ندرت می توان در طول بخش عمده‌ای از یک سوره اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد. در میان سوره‌هایی که به داستان انبیای سلف مربوط است این ارتباط و پیوند بالنسبه بیشتر است، هرچند در آنها نیز گسستگی کم نیست. ولی یکپارچه‌ترین این گونه سوره‌ها - که به داستان انبیا مربوط است و اتساق بیشتری دارد - سوره یوسف است... نه فقط بعضی سوره‌های مستقل خود مرکب از چند آیه معدودند، بلکه سوره‌های بلندتر شامل بخشهای کوتاهی هستند که فی حد ذاته کامل اند... همین که خواننده شگرد وزن و موزونیت نهایی قرآن را دریافت، دیگر تقطیع سوره‌ها به بخشهای مختلفی که تشکیل دهنده آن است، بسی آسان می شود... البته از این نکته نباید عجولانه استنباط کرد که بین بخشهای جداگانه یک سوره ربط و پیوندی نیست، گاهی ممکن است این ربط، ربط موضوعی و معنوی باشد، و حتی در مواردی که چنین ربطی مشهود نباشد، بهرحال نوعی همزیانی و هم فضایی دارند.

از طرف دیگر بسا بین بخشهای مجاور به هم ارتباط معنایی برقرار نیست، یا گاهی ممکن است سوره از بخشهایی تشکیل یافته باشد که از نظر زمان و فضا با همدیگر فرق داشته باشند و همه چیز زیر چتر یک سوره واحد گرد آمده باشند... اصرار و اغراقی که غالباً در مورد گسسته نمایی و ناپیوستگی و بی‌شکلی و شیوه هیجانی و

ترتیبهای آنجانی توقع رود.^(۱)

جناب استاد آقای محمدهادی معرفت از قرآن‌پژوهان معاصر هستند که با علم مناسبات در همه ابعاد میانه خوبی ندارند و چون قائل به توفیقیت ترتیب سوره‌ها نیستند، منکر پیوستگی سوره‌ها با هم هستند؛ گرچه تناسب جمله‌ها و آیه‌ها و ربط میان آیات در یک سوره را می‌پذیرند. ایشان می‌نویسند:

پیوستگی میان سوره‌ها طبق ترتیب مصاحف موجود، ضرورتی در اثبات آن نیست؛ گرچه گروهی خود را به زحمت انداخته‌اند. زیرا این چینش موجود سوره‌ها چیزی است که پس از وفات پیامبر گرامی توسط صحابه آن حضرت انجام گرفته و مستند به وحی و دستور آسمانی نیست.

و از تکلفات این گروه تلاش برای ارائه پیوستگی و تناسب میان پایان سوره‌ها با آغاز سوره‌های بعدی است که در حقیقت التزام به چیزی است که نیاز به آن نیست. افزون بر آنکه نوعی انحراف و کژروی در استنباط و بهره‌گیری از رأی در تفسیر است.^(۲)

● مستشرقان و علم مناسبات

مستشرقان که به جنبه‌های مختلف قرآن توجه کرده‌اند - از ترجمه قرآن گرفته تا تهیة معجمهای لفظی و موضوعی، از تاریخ قرآن تا تفسیر قرآن - به مسأله پیوستگی و ناپیوستگی قرآن توجه کرده و در این میدان شور و شری بها کرده‌اند. گروهی به موافقت و گروهی به مخالفت، عده‌ای برای توجیه پیوستگی، و عده‌ای برای تثبیت توجیه ناپیوستگی؛ گرچه مخالفان پیوستگی قرآن در میان مستشرقان بیشتر است.

به عنوان نمونه ریچارد بل، یکی از سختکوش‌ترین قرآن‌شناسان اروپایی است که ترجمه تفسیری از قرآن به انگلیسی به عمل آورده و از ناپیوستگی قرآن سخن گفته و برای آن دلیلی تاریخی ذکر کرده است. نامبرده در مقدمه

۱ - حجازی، محمد محمود، الوحدة الموضوعية، ص ۱۴.

۲ - معرفت، محمدهادی، التمهيد في علوم القرآن، ج ۳، ۳۲۴/۵، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.

است، می‌نماید.

خواننده‌ای که از پیش آگاهی نداشته باشد، اعم از اینکه ترجمه یا خود متن را بخواند، با ابهامها، تکرارها، همانگویی‌ها، و در بسیاری از سوره‌های بلند با خشکی خاصی مواجه می‌شود، بی‌آنکه لاف‌لحنی از حظ حسی و تسلی استحصانی که از زیبایی اصوات و ترتیل و تغنی صحیح آن برمی‌خیزد بهره‌مند باشد. ولی این‌گونه دشواریها به میزانی در بسیاری از کتب مقدس وجود دارد. بی‌انسجامی (عدم تلائم) ظاهری این سطح نامنسجم زبانی قرآن است... گویی زبان مفلوک و شکسته بسته بشر فانی زیر سیطره و فشار هائل کلام آسمانی به هزاران تکه تقسیم شده است. یا گویی خداوند برای آنکه هزاران حقیقت را بیان کند، جز مثنی کلمات در اختیار نداشته و ناگزیر بوده از اشارات و تلویحاتی استفاده کند که سرشار از معنی، التفات، و تغییر لحن و خطاب، اختصار و ایجاز و تعابیر کنایی است.^(۳)

بنابراین، مستشرقین بالحن گزنده و انتقادی خود از پاشان بودن قرآن سخن می‌گویند و جسته جسته بودن کلمات قرآن را به رخ می‌کشند. جدای از بحث پیوستگی یا ناپیوستگی قرآن، این لحن مستشرقان ناشی از نامأنوسی با مفاهیم قرآن و عدم آشنایی با فرهنگ اسلام است. ما در جمع بندی میان نظرات موافقان و مخالفان در این باره سخن خواهیم گفت و به این حقیقت اشاره خواهیم کرد که بخشی از این مشکل زاییده فاصله فرهنگ زبانی عصر رسالت با عصرهای بعدی است. زیرا بسیاری از این فاصله‌ها و ایجازها ناشی از خلأ اطلاعاتی است که میان قرآن و مخاطبان مطرح بوده و بعدها این نشانه‌های زبانی نادیده گرفته شده است.

نابیش اندیشیدگی و بی‌نظمی پرشورانه قرآن می‌ورزند، تا حدودی ناشی از ناشناختن بخشهای طبیعی است که هر سوره‌ای بدان منقسم است، و نیز ناشی از درنیافتن دلیل جابجایی‌ها و جابجا شدگی‌ها و گسلاها و گسستگیهای نامعهود است.^(۱)

آرتور آبری (م ۱۹۶۹م) از اسلام شناسان معروف انگلیسی است که به زبان عربی و فارسی تسلط داشته و کتابی را در زمینه‌های مختلف ادبی و عرفانی و دینی مشرق زمین به نگارش درآورده است، و ترجمه‌ای کلاسیک نیز از قرآن به دست داده است. وی در مقدمه این ترجمه نیز تحلیلی از ناپیوستگی‌های قرآن دارد. او می‌نویسد:

قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی بسی به دور است. خواننده قرآن بویژه اگر ناچار باشد که به یک ترجمه اکتفا کند، هرچند که آن ترجمه از نظر زبانشناختی دقیق باشد، بی‌شک از نسج جسته جسته و ناپیوسته بسیاری از سوره‌های قرآن حیران و هراسان خواهد شد. این ناپیوستگی مشهود را غالباً به اشتباه کاری در نسخه‌برداری کاتبان اولیه نسبت داده‌اند، من برآنم که این بافت طبیعی خود قرآن است... نوسانات ناگهانی محتوا و فحوا اگر با دید و درکی فراگیر نگریده شود، مشکلاتی که بعضی از متقدان را سرگشته ساخته، به بار نمی‌آورد.^(۲)

فرتیوف شوآن، یکی دیگر از همین مستشرقان است که درباره اسلام کتاب نوشته است. وی در کتاب فهم حقایق اسلام درباره اسلوب قرآن می‌نویسد:

اگر از بیرون [به قرآن] نگریده شود، این کتاب - به جز تقریباً ربع آخرش که شیوه‌اش بشدت شاعرانه است، هرچند شعر نیست - مجموعه‌ای از اقوال یا قصص که کم یا بیش بی‌ارتباط و بی‌انسجام و در بادی امر در بعضی موارد نامفهوم

۱ - خرمنشاهی، بهاء‌الدین، ذهن و زبان حافظ، ص ۹، نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.

۲ - همان، ص ۱۳.

۳ - همان، ص ۱۷.

● علم مناسبت در میان دانشمندان شیعه

علم مناسبت در شیعه از رونق چندانی برخوردار نیست و مؤلفات مستقل در این زمینه اگر نگوئیم وجود ندارد و یا به دست نیامده، بسی ناچیز و کم جلوه است. البته در این اواخر کتابها و مقالاتی در اثبات پیوستگی قرآن نوشته شده است، که حجم آن نسبت به نگاهشده‌های دیگر مذاهب اسلامی قابل مقایسه نیست.

در میان قدمای از اصحاب و مفسرین نخست، شیخ طوسی در تفسیر تبیان به مواردی از این مناسبت‌ها آن هم در آیه‌ها - و نه سوره‌های قرآن - اشاره کرده است، بدون آنکه به اصل موضوع و نظریه کلی آن بپردازد.^(۱) همچنین مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان به مناسبت سوره‌ها اشاره کرده علائم پیوستگی سوره پیشین با سوره پسین را نشان می‌دهد، و از ربط نامعلوم و یادیرباب آیات در ذیل عنوان «نظم» سخن می‌گوید.^(۲)

علامه طباطبایی، گرچه به پیوستگی میان سوره‌ها اعتقادی ندارد،^(۳) اما به پیوستگی جمله‌ها و آیه‌ها بویژه با عنایت به سیاق و رعایت پس و پیش کلام توجه کرده است.^(۴) از میان مفسران معاصر شیعه آقاییان بی‌آزار شیرازی و محمدباقر حجتی در تفسیر کاشف، مرحوم محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین، مرحوم طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن، یعسوب الدین رستگار جویباری در تفسیر البصائر، علی محمد دُحیل در تفسیر الوجیز، عبدالعلی بازرگان در نظم قرآن به موضوع پیوستگی اهمیت داده‌اند و در جای جای کتابهای خود به نشان دادن پیوستگی آیات همت ورزیده‌اند.

در برابر این حرکت، بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر، صراحتاً بی‌اعتقادی خود را به علم مناسبات یادآور شده‌اند و بر این امر استدلال هم کرده‌اند؛ که از آن جمله است مرحوم طیب در تفسیر اطیب البیان، محمدجواد مغنیه در تفسیر الکاشف، مرحوم سید عبدالاعلی سبزواری در مواهب الرحمن، محمدهادی معرفت در التمهید، بهاءالدین خرمشاهی در ذهن و زبان حافظ و...

● ریشه بی‌توجهی به علم مناسبت در شیعه

از مسأله انگیزه‌گرایش به علم مناسبات که بگذریم، ریشه بی‌توجهی در مبنای این علم نهفته است. اعتقاد و وجه پیوستگی سوره‌ها مبتنی بر توقیف سوره‌هاست و این مسأله برای بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی در پرده ابهام قرارداد و نقلیات در این مورد متناقض، و اختلاف و تشتت بسیار است. در اهل سنت امام مالک، قاضی باقلانی، ابن عطیه، بیهقی از مخالفین توقیف ترتیب سوره‌ها هستند.^(۵) در شیعه نیز اکثریت همین نظر را دارند و معتقدند طبق روایات موجود جمع قرآن پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردآوری و چینش شده است. بنابراین این گروه چگونه می‌توانند قائل به پیوستگی و ارتباط میان سوره‌ها باشند و در این باب تألیفاتی داشته باشند. البته برخی از محققان شیعی مانند آیت‌الله خویی در کتاب بسیار ارجمند خود البیان قائل به توقیف ترتیب سوره‌ها شده‌اند.^(۶) اما تعداد کسانی که این نظریه برگزیده‌اند اندک است. بدین جهت بزرگترین مانع در گسترش این علم بی‌اعتقادی به توقیف ترتیب سوره‌هاست. البته یادآور می‌شود که لازمه پذیرفتن توقیف ترتیب سوره‌ها پذیرفتن علم مناسبات نیست، زیرا هستند کسانی که جمع و تألیف قرآن را در عصر پیامبر می‌دانند اما به علم مناسبات هم اعتقاد ندارند. از سوی دیگر در علم مناسبات نسبت به آیه‌ها و پیوند آیه‌ها در یک سوره در کتابهای علوم قرآنی

۱- به عنوان نمونه رک: تفسیر تبیان، ج ۲/۱۲۲:

۲- موارد بیان این مناسبت‌ها در تفسیر مجمع البیان آنچنان فراوان است که نیاز به آوردن نمونه نیست، و با اندک مراجعه می‌توان این روش را مشاهده کرد.

۳- علامه چون ترتیب سوره‌ها را توقیفی نمی‌داند، طبیعاً به مناسبات میان سوره‌ها نیز نمی‌پردازد: المیزان ج ۱۲/۱۲۶، چاپ بیروت.

۴- اوسسی، علی، الطباطبایی و منهجه فی تفسیر القرآن، ص ۱۴۴، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

۵- عدنان محمد زورور، علوم القرآن (مدخل الی تفسیر القرآن و بیان اعجازه) ص ۱۰۷، المکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۱ق. و رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۵۹۸، چاپ دوم، امیرکبیر.

۶- خویی، البیان، ص ۹۱، ۲۵۱، بیروت، دارالزهراء، چاپ پنجم، ۱۴۰۸ق.

و تفسیری، تأکید شده است. عوامل دیگری در این بی‌توجهی مؤثر بوده است که در بحثهای آینده دنبال خواهد شد.

● ادله مخالفان

گرچه مخالفان علم مناسبات همانند موافقان به یک منوال سخن نگفته‌اند، ولی در هر حال به گفتارهای آنها اشاره خواهد شد، و ادله کلی آنها در معرض قضاوت خوانندگان قرار خواهد گرفت.

۱- نخستین دلیل مخالفان پیوستگی میان سوره‌ها، اجتهادی بودن ترتیب سوره‌هاست. گفته‌اند با توجه به اختلاف و تناقض روایات از باب جمع‌آوری و تدوین قرآن، نمی‌توان به توقیفیت ترتیب سوره‌ها رأی داد، از این رو، سخن از پیوستگی و ارتباط میان سوره‌ها گفتاری بیهوده و غیر قابل اعتناست.^(۱)

۲- گفته‌اند: هر کسی با قرآن آشنا باشد، با اولین برخورد ناپیوستگی و فقدان انسجام موضوعات قرآن را می‌بیند.

این ناپیوستگی، حدیثی نیست که تمازگی داشته باشد. این نکته از همان آغاز نزول احساس می‌شده، چنانکه سیوطی در اسباب النزول در سبب نزول آیه ۸۸ از سوره اسراء (بنی اسرائیل) راویانی را نام می‌برد که از طریق ابن عباس از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند که سلام بن مشکم با جماعتی از یهود به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید و گفت چگونه از تو پیروی کنم حال آنکه قبله ما را ترک کرده‌ای و کتابی هم که آورده‌ای آنطور که تورات تناسق است، قرآن مناسق ندارد. کتابی بیاور که مأنوس و متعارف باشد، وگرنه ما هم نظیر اینکه تو آورده‌ای می‌آوریم....^(۲)

طه حسین یکی از روشنفکران و نویسندگان معاصر عرب در زمینه ناپیوستگی و فقدان انسجام ظاهری قرآن می‌نویسد: مثلاً موضوعهای سوره بقره بسیار و از هم بیگانه‌اند، و این خود دلیل است که این سوره یک

مرتب نازل نگشته، بلکه بتدریج و خرده خرده نازل شده است. ابتدا این سوره، از مؤمنان که از خدا می‌ترسند و به غیب ایمان دارند و نماز را به پا می‌دارند و از آنچه خدا به آنان روزی کرده انفاق می‌کنند و به آنچه بر پیغمبر و پیغمبران پیش از او نازل شده ایمان می‌آورند... سپس از کسانی که کافر شده‌اند سخن می‌گوید. آنگاه از منافقین که می‌گویند ایمان آوردیم و از ایمان آوردندگان نیستند... گفتگو می‌کند. پس از آن آغاز آفرینش و آفرینش آدم را شرح می‌دهد و از داستان ابلیس که از سجده کردن امتناع کرد سخن می‌گوید. بعد از آن به داستان یهود می‌پردازد. آنگاه به قسمتی از داستان ابراهیم و هنگامی که خانه خدا را در مکه ساخت می‌پردازد، و همینطور... که موضوعات بسیار فراوان و نامتلائم پی‌درپی مطرح می‌شود.^(۳)

گفته‌اند بهترین شاهد بر ناپیوستگی قرآن پراکنده بودن قصه‌های قرآن است؛ اولاً گاه یک قصه با تعبیرهای مختلف نقل می‌شود. ثانیاً در هر سوره از جایی از قصه شروع می‌گردد، بگونه‌ای که گاهی قرآن از وسط قصه شروع می‌کند و گاه از قسمت آخر، و میان نزول این دو دسته، ترتیب تاریخی نیست. در این صورت چگونه می‌خواهیم برای این عدم تلائم دلیل بیاوریم و پیوستگی درست کنیم.

۴- برخی خواسته‌اند میان سوره‌های قرآن و یا آیه‌ها در سوره‌های بلند پیوستگی ایجاد کنند و به مدد مسائل کل و عام نوعی ربط میان موضوعات گوناگون را نشان دهند؛ البته چنین ربطی کلی آسان است. اینکه بگوییم مثلاً همه موضوعات مطرح شده در سوره بقره در بیان احکام شریعت‌اند، و یا قصه‌های پی‌درپی برای تسلاهی دل پیامبر (ص) نازل شده‌اند،

۱- شوکانی، فتح القدیر، ج ۱/۲۲۱.

۲- خرمشاهی، بهاء‌الدین، ذهن و زبان حافظ، ص ۱۴.

۳- ذهن و زبان حافظ، ص ۶.

نظم قرآن

عبدالعلی بازرگان

پیوستگی‌هایی را بیان کرد، و اندیشه حاکم بر نویسنده و شاعر را در تمام نوشته به اثبات رساند.

۵- یکی دیگر از ادله مخالفان علم مناسبات این است که ما چرا خود را به زحمت انداخته برای موضوعات ناپیوسته و نامتلائم قرآن دلیل تراشی و مناسبت سازی کنیم. در حالی که بدون شک اگر قرآن می‌خواست مراعات پیوستگی را کند، می‌بایست همه مطالب راجع به حضرت موسی (ع) را در یک جا جمع کند، و همه مطالب راجع به مسأله معاد را در جای دیگر، و احکام را در سوره‌ای دیگر؛ در صورتی که این کار را نکرد و به مصلحت هم نبود؛ زیرا چنین کاری قرآن را از جذابیت و زیبایی و کشش برای خواندن بیشتر خارج می‌کرد. به همین دلیل در برخی تعبیرات مخالفان از علم مناسبات به «علم متکلف» یاد شده است.

● انگیزه موافقت و مخالفت

آنچه تا کنون گفتیم جایگاه علم مناسبت میان موافقان و مخالفان و استدلال هر یک از این دو دسته برای اثبات و نفی پیوستگی قرآن بود. اما نکته‌ای دیگر باقی مانده که شاید بسیار اساسی و کارگشا در فهم دلیلهای موافقان و مخالفان باشد و آن کنکاش در عامل گرایش پژوهشگران قرآنی به علم مناسبات است. بساید بسینیم انگیزه مفسران از تلاش برای اثبات پیوستگی چه بوده است؟

● انگیزه موافقت

با دقت در کلمات بسیاری از مفسران و مؤلفان علم مناسبات، این نکته به خوبی آشکار می‌گردد که انگیزه مفسران از اثبات پیوستگی میان آیات و سوره‌ها عمدتاً برخاسته از شبهه‌ای بوده است که متوجه قرآن دیده‌اند، و آن اینکه در سوره‌های قرآن وحدت موضوع و جامع مشترک میان مطالب وجود ندارد، مطالب شاخه شاخه بلکه به ظاهر از هم گسیخته و پاشان است.

و... درست است که پیوستگی ایجاد می‌شود، ولی اگر کسی قائل به ناپیوستگی میان سوره‌های قرآن هم باشد، این مطالب را می‌تواند بگوید. مثلاً درباره پیوستگی قصص انبیای پیشین در سوره مؤمنون گفته‌اند: خداوند قصه نوح و هود و صالح و لوط و شعیب و موسی و هارون (علیهم السلام) را در سوره مؤمنون ذکر کرد و این ذکر، وحدت جامع دارد که برای تقویت روحیه پیامبر (ص) و تسلی دادن وی بود. همه این امت‌ها از یک سرنوشت تبعیت می‌کردند و هر کدام داستان و عبرتی برای آیندگان گشتند و هشدار برای پیامبر (ص) بود تا از اذیت و آزار کفار و حشمت نکند.^(۱)

هر چند چنین پیوستگی قابل انکار نیست، اما نقل چنین تناسبی تا چه حد مشکل‌پراکنندگی موضوعات را پاسخ می‌دهد و چگونه می‌توان از اثبات این نوع تناسب، اعجاز قرآن و انکار مخالفان را جواب داد. به عبارت دیگر حتی می‌توان برای نوشته‌ها و اشعاری که به مناسبت‌های مختلف نوشته و گفته شده و هیچ پیوندی میان آنها نیست، چنین

۱- بقاعی، نظم الدرر، ج ۲/۷/۲۰۷، عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، ج ۲/۱۵/۲.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین علل گرایش به اثبات پیوستگی در قرآن، همین نامتلائم بودن مطالب و به یک روال نبودن طرح موضوعات بوده است، بویژه

اینکه عادت بشری و نظم و ترتیبی که نویسندگان در کتابهای خود رعایت می‌کنند چنین است که اجزای هر نوشته به تناسب موضوع زیر هم قرار گیرند، و زمان و ضماثر مربوط به آن معمولاً ثابت می‌ماند. خوانندگان نیز برای سهولت فهم مطلب، علاق مندند مطالب و نوشته‌ها حتی المقدور فصل‌بندی شده و در یک روال مشخص ادامه یابند.^(۲)

اما سخن این است صرف‌نظر از اعتقاد به علم مناسبات و اثبات پیوستگی و برکنار از دیدگاه موافقان و مخالفان این دانش، در یک تحلیل ساده و روشن اگر قرآن همانند تألیفات بشری تنظیم می‌شده با همان خصوصیات ترتیب می‌یافت چه می‌شد و چگونه بود؟ و ما با آن چه برخوردی داشتیم؟ و چنین ترتیبی چه فواید و اشکالاتی به بار می‌آورد؟ نگارنده بر آن است که به اسلوب قرآن هیچ اشکالی وارد نیست، و این ناپیوستگی نمایی، نمی‌تواند و نباید ما را هراسان کند. زیرا:

اگر مسائل مختلف و بسیار متنوع قرآن برعکس تدوین کنونی هرکدام در جایی خاص می‌آمد، یعنی اگر قصص و عقاید و احکام و اخبار به غیب و اوصاف گوناگون و پاسخگویی به مخالفان هر یک فقط در یک جا و به دنبال هم می‌آمد، آن وقت کتابی می‌داشتیم که فلان تعداد صفحه‌اش راجع به طوفان نوح است، و فلان تعداد صفحه راجع به هود و صالح و داستان عاد و ثمود، چند صفحه راجع به یونس و چند صفحه راجع به اصحاب کهف، و چند صفحه راجع به موسی و فرعون، و

به عبارت دیگر، منشأ این اشکالات، مقایسه قرآن با کتابها و تألیفات بشری است. و یا حتی مقایسه با متون دینی چون تورات است؛ که از انسجام و پیوستگی میان ابتدا و انتهای مطلب، بویژه در قصه‌ها و حوادث تاریخی برخوردار است. از سوی دیگر، اگر در مقام مقایسه برآییم، در کتابهای بشری مشاهده می‌شود که در میان فصول آنها انسجام و پیوند خاصی وجود دارد و از آغاز تا پایان فصل یک موضوع کلی تعقیب می‌شود. هم چنین میان بخشها و فصلها رابطه و پیوستگی است در حالی که قرآن از این سنخ نبوده و چنین مطالب جسته جسته و شاخه شاخه است و دست‌کم ما این گونه می‌فهمیم و آن را از سنخ کتابهای موجود نمی‌بینیم. یکی از نویسندگان معاصر در این باره می‌نویسد:

معمولاً سوره‌های قرآن به خصوص سوره‌های بلند که از چندین دسته یا «گروه آیات» تشکیل شده‌اند، اولاً: درباره موضوع ساده واحدی نبوده، مشتمل بر چندین موضوع به ظاهر متفاوت هستند. ثانیاً: گروههای دارای موضوع، به جای آنکه با یکدیگر ترکیب شوند و زیر هم قرار گیرند، برخلاف نظم متعارف بشری مخلوط با مطالب دیگر شده‌اند. به عنوان مثال در سوره بقره که طولانی‌ترین سوره یا بیشترین گروه آیات است. ۲۰ گروه در باره پنج موضوع نازل شده است. گرچه درباره برخی از این موضوعات پنج یا هفت گروه وجود دارد، اما هیچیک از آنها در کنار هم نیستند، بلکه همچون کارت‌های رنگی با یکدیگر مخلوط شده (به اصطلاح) بُر خورده‌اند، گویی تعمدی در کار بوده تا نظم متعارف مختل شود. عجیب‌تر اینکه از نظر زمانی نیز ترتیب نزول رعایت نشده است؛ یعنی به جای آنکه گروههای مقدم جلوتر قرار گیرند، معمولاً برعکس عمل شده و آیات مدنی پیش از آیات مکی نشسته، و آیاتی که بعداً نازل شده قبل از آیات سابق قرار گرفته‌اند.^(۱)

۱- عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، ج ۱، ص ۳.

۲- همان مدرک، ص ۴.

چند صفحه راجع به عیسی، و چند صفحه راجع به دوزخ و اصحاب دوزخ.^(۱)

در این صورت، درست است که ما دیگر مشکل ناپیوستگی و به تعبیر مستشرقین از هم گسیختگی و تکرار موضوعات و قصه‌ها و بسیاری از مشکلات و شبهات را نداشتیم، اما آیا واقعاً در مقام یک کتاب دینی، شاید چیزی کم جاذبه‌تر از این «مجمع القواعد» پیدا می‌شود! در حالی که اسلوب قرآن با ویژگی تنوع اسلوب، چرخیدن از موضوعی به موضوع دیگر، گیرایی، زیبایی و نفوذ و تأثیر شگفت‌انگیزی بخشیده و در دل مؤمنان و غیر مؤمنان شور و خروشی دیگر آفریده است که بی‌تردید یکی از ابعاد اعجاز و بی‌مانندی این کتاب آسمانی گشته است. به همین دلیل خطابی (م ۲۸۸هـ) ادیب، لغوی، محدث صاحب یکی از قدیمی‌ترین رساله‌های اعجاز قرآن می‌گوید:

خداوند وعده و وعید و انذار و بشارت را اگر چه ذاتاً مقابل یکدیگرند، ولی چون مآلاً ناظر به یک هدف‌اند در کنار هم می‌آورد. اما اینکه می‌گویند اگر نزول قرآن بر سیل تفصیل (جزء به جزء) و تقسیم (قسمت به قسمت) بود، و هر علمی جای خاصی داشت، نظم آن بهتر و فایده‌اش فراوان‌تر بود، جوابش این است که قرآن به این شکل یعنی با جمع چیزهای مختلف‌المعنا در سوره واحد و در یک گروه از آیات نازل شده تا فایده‌اش عام‌تر باشد. و اگر هر بابی جدا جدا بود و به هر معنا و موضوعی سوره مفرده‌ای اختصاص می‌یافت، چندان چیزی از آن عاید نمی‌شود، و فی‌المثل یکی از کفار و معاندان و منکران چون سوره‌ای را می‌شنید حجت بر او تمام نمی‌شد، چرا که اتمام حجت در جای دیگری آمده بود و فقط سوره خاصی مخصوص آن بود. پس پی می‌بریم که گردآوردن معانی گوناگون و فراوان در یک سوره، فایده‌بخش‌تر است از جدا جدا آوردن معانی.^(۲)

بنابراین اگر انگیزه موافقین در گرایش به سمت مناسبات و اثبات پیوستگی میان سوره‌ها و آیه‌ها عدم تلائم میان موضوعات و پراکندگی و تکرار آنها در سراسر قرآن باشد، این سوره‌ها و آیه‌ها عدم تلائم میان موضوعات و پراکندگی و تکرار آنها در سراسر قرآن باشد، این گسسته‌نمایی دلیل و توجیه هنری و تبلیغی دارد، و برگرفته شده از اهداف نزول قرآن، و برخاسته از نیازهای انسان در طی اعصار، و مناسب با شرایط مختلف فرهنگی است، و نباید از آن هراسی به دل راه داد.

البته عوامل دیگری نیز مطرح است که در سیر تحول دانش مناسبات به آنها اشاره شده است؛ مثلاً قضیه تأکید بر اعجاز قرآن، به این معنا که در برابر آن شبهه که می‌گوید: چرا قرآن مطالبش پیوسته نیست، می‌توان گفت: این کلام پیوسته است، آن هم پیوستگی که دال بر اعجاز آن است.

همچنین یکی از شبهات، پراکندگی آیات و سور مکی در میان آیه‌ها و سوره‌های مدنی و برعکس است، که باز داعیان علم مناسبات پاسخ می‌دهند که این پراکندگی بر اساس فلسفه و علتی است و نوعی ربط و چینی است.

چند نکته دیگر در عوامل گرایش به این دانش اشاره شده است؛ مانند کمک به فهم مفسر در استنباط معانی، شناسایی اسرار قرآن با بهره‌گیری از علم مناسبات که در حقیقت جزو فواید این علم به حساب می‌آیند.

بنابراین نکته مهم در این قضیه همان پاسخ به شبهات و اشکالات ملحدین و مخالفین قرآن است و بقیه عوامل تحت‌الشعاع این جهت قرار دارد.^(۳)

۱- خرشاهی، ذهن و زبان حافظ، ص ۱۵.

۲- همان کتاب به نقل از: ابوسلیمان احمد بن محمد خطابی و بیان اعجاز القرآن ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن للزمانی، والخطابی و عبدالقاهر جرجانی. تحقیق محمد خلف‌الله و محمد زغلول سلام، چاپ دوم، ص ۵۴، قاهره، دارالمعارف.

۳- برای توضیح ابعاد این شبهه می‌توانید به: سعید حوی، الاساس فی التفسیر، ج ۲۷/۱، مراجعه کنید.

● انگیزه مخالفت

۱- نخستین عامل، مسأله حل نشدن ترتیب و تألیف قرآن در نظر این گروه بوده است. زیرا همانطوری که در مسأله ادله مخالفین اشاره کردیم، مهمترین دلیل مخالفین، توقیفی ندانستن ترتیب سوره‌ها بوده است. ممکن است کسی معتقد به توقیفیت ترتیب سوره‌ها باشد و برای این نوع چینش فلسفه و حکمتی قائل باشد، اما بگوید لازم نیست حتماً میان آنها ربط و پیوستگی باشد. اما در این طرف ممکن نیست کسی مخالف توقیفیت ترتیب سوره‌ها باشد و بگوید جمع‌آوری قرآن و ترتیب سوره‌ها اجتهادی و پس از فوت پیامبر بوده و در عین حال قائل شود نوعی پیوستگی اعجاز‌آور و فوق‌العاده و مافوق تصور وجود دارد که در ظاهر امر آشکار نمی‌شود و علم مناسبات با کمک قواعد و اصول آنها را کشف می‌کند. چنین سخنی ممکن نیست. لذا اگر موافقین توقیفیت سوره‌ها دو دسته شده باشند، خیلی بعید نیست.^(۱) اما همه کسانی که اجتهادی بودن ترتیب را پذیرفته‌اند، مناسبات و اتصال سوره‌ها را منکر شده‌اند. مفهوم این سخن آن است که برخی از آنها البته به پیوستگی میان دو جمله و یا چند جمله در آیه و یا پیوستگی‌های آیه‌ای معتقد بوده‌اند، و تنها بخاطر نپذیرفتن توقیفیت ترتیب سوره‌ها منکر علم مناسبات شده‌اند.

۲- ویژگی خود قرآن، یکی دیگر از عوامل مخالفت مخالفان، ویژگی خود قرآن در گسسته‌نمایی موضوعات است. تا آنجا که گسروهی در برابر طرفداران دانش مناسبت‌شناسی، به پاشانی بودن قرآن رأی داده و گفته‌اند:

یکی از ویژگیهای قرآن پیوستگی‌های مرئی و نامرئی است که قرآن پاره پاره و جسته جسته است و همین هم از دلایل هنرمندی قرآن است که در عین پراکندگی موضوعات، جذابیت خود را حفظ کرده و خواننده را با دستورات دلنشین و پند و اندرز و عتاب و خطاب بسوی خود کشانده است.^(۲)

در نظر مخالفان، این پراکندگی نه تنها عیب نیست، که کمال و راه بقای قرآن است. بنابراین دیگر نیازی به تکلف و زحمت و تلاش برای نشان دادن پیوند نیست.

۳- یکی دیگر از عوامل مخالفت، استدلالهای ضعیف و نارسای موافقان در اثبات پیوستگی است. این استدلالها شامل موارد ربط بین آیات و جمله‌ها نیز می‌گردد. در این زمینه سخنهاي فراوانی گفته شده است.^(۳) به برخی از آنها اشاره می‌شود.

جناب آقای معرفت که یکی از مخالفان پیوستگی میان سوره‌هاست، به نمونه‌هایی از استدلالهای ضعیف موافقان اشاره می‌کند. وی به نقل از بدرالدین زرکشی صاحب کتاب البرهان فی علوم القرآن^(۴) برخی از این مناسبت‌ها را می‌آورد؛ مثلاً زرکشی گفته است:

آغاز هر سوره در نهایت مناسبت با ختم سوره پیشین است. البته برخی از این پیوستگیها آشکار و برخی پنهان است. مانند آغاز سوره انعام که با سپاس و حمد خداوند شروع می‌گردد و این معنا بسیار مناسب با ختم سوره مائده است که در باره فضل القضاست: وَقَضَىٰ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. و مانند آغاز سوره فاطر که نیز با حمد شروع می‌شود و مناسب با ختم سوره سبأست که با آیه:

«وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِمَّنْ قَبْلُ» آمده است. در حقیقت خداوند با حمد شروع کرده و از اینکه بین کفار و درخواست‌هایشان

۱- چنانکه صبحی صالح یکی از قرآن پژوهان معاصر در کتاب علوم قرآنی خود تصریح به این نکته دارد که ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی است، اما پیوستگی میان سوره‌های قرآن ثابت نیست: مباحث فی علوم القرآن، ص ۱۵۱، قم، انتشارات رضی.

۲- خرماهی، ذهن و زبان حافظ، ص ۱۵. وکلاً مقاله قرآن و اسلوب هنری حافظ.

۳- ر.ک: شوکانی، فتح‌القدیر، ج ۷۲/۱؛ محمدعادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۳۲۹/۵.

۴- زرکشی، البرهان، ج ۱۳۴/۱، تحقیق مرعشی، ج ۳۸۰/۱-۳۹.

است و یکی پیوسته بودن را، به این دلیل برخی کلاً گفته‌اند: این علم ره به جایی نمی‌برد و با این روش نمی‌توان اعجاز قرآن را ثابت کرد. دیگر چه نیازی به این علم هست، در حالی که با بسیاری از جنبه‌های ادبی و بلاغی و اخبار غیبی می‌توان معجزه بودن قرآن را ثابت کرد.

● علم مناسبات و توقیفیت سوره‌ها

یکی از بحث‌های بشدت مرتبط با علم مناسبات، توقیفیت ترتیب سوره‌هاست. توقیفیت سوره‌ها در علوم قرآن بویژه در تاریخ جمع قرآن از مباحث مهم و قابل توجه و مورد نزاع و جنجالی است، و در علم مناسبات همواره مورد استناد مخالفان و موافقان است. از آنجا که توقیفیت ترتیب سوره‌ها یکی از مبانی بلکه اصل و اساس اعتقاد به پیوستگی قرآن است، توضیحی درباره معنای توقیفیت ترتیب و جمع قرآن، خواهیم داد، و نظریه مشهور و محققان، و ادله موافق و مخالف و شبهات مطرح شده را متعرض خواهیم شد.

توقیفیت، به این معناست که آنچه از قرآن به ما رسیده از نظر نظم کلمات و ترتیب آیات و سوره‌ها، همان چیزی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده و به دستور خداوند بوده است. نظریه توقیفی بودن ترتیب قرآن، در برابر دیدگاه کسانانی است که می‌گویند جمع و ترتیب قرآن پس از پیامبر (ص) و به اجتهاد آنها انجام گرفته و از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این باره دستوری نرسیده است. البته هر دو گروه بر این نکته اتفاق نظر دارند که سیر نزول و ترتیب آیه‌ها و سوره‌ها به شکل موجود نبوده است، و گرنه می‌بایست سوره‌های مکی همه در یکجا و مقدم بر سوره‌های مدنی و آیات مکی مقدم بر آیات مدنی باشد، و میان آنها تقدم

فاصله افتاده است، سپس گفته است. همانطوری که در سوره انعام آیه ۴۵ همین معنا آمده است: «فَقَطَّ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». پس بین این دو سوره تناسب وجود دارد. در سوره حدید نیز چنین مناسبتی در آغاز آن وجود دارد، زیرا خداوند با اخبار از تسبیح موجودات شروع می‌کند: «يَسْبِحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» و این معنا با پیام آخر

سوره پیشین یعنی سوره واقعه مناسبت دارد که می‌فرماید: «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» همین طور در سوره‌های دیگر قرآن.

جناب آقای معرفت پس از این نقل می‌نویسد:

این مواردی که زرکشی نقل می‌کند، تکلف در آنها بارز و آشکار است. با اینکه این موارد از بهترین آن چیزی

است که در این باره گفته شده است، اما آنچه را که پس از وی چون سیوطی و برهان الدین بقاعی و مانندش گفته‌اند، دیگر در تحمیل و تکلف و آوردن مناسبت‌های غریب و دور از شأن کلام سر از اعجاب در می‌آورد.

آن‌گاه مواردی را از این دو نقل می‌کند.^(۱)

۴- یکی دیگر از عوامل مخالفت، پراکندگی اقوال در علم مناسبات است. گروهی چون این علم را تکلف‌آمیز دانسته‌اند حتی تناسب میان دو جمله یک آیه را منکر شده‌اند. این پراکندگی و تشتت نظریات را در غباری از ابهام و تردید قرار داده باعث تشتت افکار و پراکندگی در استدلال و نامشخص شدن اقوال شده است.

و از همین قبیل است وجود نظریات گوناگون در اثبات اعجاز قرآن، که یکی جسته جسته بودن را دلیل اعجاز گرفته

تاریخی رعایت شود، در حالی که قطعاً چنین چیزی نیست. توقیفیت ترتیب قرآن از دو زاویه مطرح است: یکی ترتیب کلمات و ترتیب آیه‌ها در یک سوره، و دیگری ترتیب سوره‌ها در کل قرآن.

در باره مسأله نخست، یعنی ترتیب آیات و کلمات، ظاهراً اتفاق و همراهی میان بزرگان بیشتر و در اهل سنت اجماع است، که ترتیب آیات در یک سوره به دستور پیامبر (ص) بوده^(۱) و روایات فراوان هم شاهد است بر اینکه پیامبر سوره‌هایی را در نماز می‌خوانده و یا برای فضیلت تلاوت سوره‌ای حتی مانند سوره بقره و آل عمران و... ثوابهایی را ذکر می‌کرده است.^(۲) برنامه تدوین چنین بوده که هر گاه آیه‌ای نازل می‌شد، امر می‌فرموده است که آن را در کنار فلان آیه در سوره‌ای خاص بگذارند.^(۳) بنابراین بحث توقیفیت آیات سوره‌ها مورد بحث این مختصر نیست و ما آن را تلقی به قبول کرده‌ایم و متعرض بحث آن نخواهیم شد؛ آنچه به بحث تناسب ارتباط دارد، توقیفیت ترتیب سوره‌هاست.

اما درباره ترتیب سوره‌ها به شکل موجود، که آیا توقیفی است یا به اجتهاد صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سه نظریه درباره آن وجود دارد:

۱- توقیفیت و ترتیب و جمع در زمان پیامبر و به امر خداوند بوده است.

۲- جمع و تدوین پس از پیامبر، و ترتیب با اجتهاد صحابه بوده است.

۳- عمده سوره‌ها ترتیبشان در زمان پیامبر بوده و اندکی از آنها پس از پیامبر بوده است، که در حقیقت تفصیل میان دو قول سابق است.

مشهور در میان فریقین (شیعه و سنی) قول به اجتهادی بودن ترتیب سوره‌هاست و از میان متقدمان افراد سرشناسی مانند امام مالک رئیس مذهب مالکیه^(۴) و ابویکر طیب^(۵) (در یکی از دو قولش) از قائلان به نظریه اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها هستند.

اما در برابر این نظریه مشهور، جمعی از محققان بویژه در دوران اخیر قائل به توقیفیت سوره‌ها هستند.

از آنجا که ما در تأیید همین نظریه محققان هستیم، قهراً در مدار اثبات توقیفیت ترتیب سوره‌ها حرکت می‌کنیم و به ادله موافقان می‌پردازیم.

● ادله موافقت با توقیفیت^(۶)

با مطالعه عده‌ای از روایات و بررسی اسناد تاریخی و استدلالی که برخی از قرآن پژوهان کرده‌اند، به این نتیجه می‌رسیم که قرآن در عهد پیامبر خدا (ص) به همین شکل موجود گردآوری و ترتیب یافته و آیات و سوره‌های آن منظم شده‌اند. این ادله شامل چند بخش می‌باشند:

۱- مجموع اسناد و مدارک و روایاتی که بگونه‌ای دلالت دارند که قرآن در عصر پیامبر (ص) به عنوان یک کتاب گردآوری شده مطرح بوده و از آن با تعبیر کتاب یاد می‌کرده‌اند و آن را می‌خوانده‌اند. نظم و ترتیبی داشته، ابتدا و انتهای برای آن تصور شده و همان را ختم می‌کرده‌اند.

۲- اهتمام و عنایت پیامبر به ثبت و تحفظ و جمع‌آوری قرآن.

۳- شواهد بیرونی و دلیل عقلی بر غیر ممکن بودن جمع و تألیف قرآن جز در عهد پیامبر (ص) و اشکالاتی که نظریه مخالف بوجود می‌آورد.

۱- سیوطی، الاتقان، ج ۱/۲۱۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ زرکشی.

البرهان فی علوم القرآن، ج ۱/۳۵۳.

۲- خوئی، ابوالقاسم، البیان، ۲۵۰/ معرفت محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱/۲۷۵.

۳- زرکشی، البرهان، ج ۱/۳۲۵ به نقل از ترمذی، سنن، ج ۵/۲۷۲ کتاب التفسیر و نسائی در سنن کبری کتاب فضائل القرآن و مستدرک حاکم، ج ۲/۲۱۲؛ بیهقی، سنن کبری، ج ۲/۴۲.

۴- زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱/۳۵۴، تحقیق یوسف مرغشلی، دارالمعرفة بیروت.

۵- ابن عطیه، المحرر الوجیز، ج ۱/۴۹، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، و نیز: زرکشی، البرهان، ج ۱/۳۵۱.

۶- لازم به یادآوری است که نگارنده کتابی درباره توقیفیت ترتیب سوره‌ها تألیف کرده و بطور مبسوط به موضوع یادشده پرداخته است، بنابراین در این جا از توضیح و تفصیل در ادله توقیفیت خودداری می‌گردد و طالبان را به کتاب یادشده ارجاع می‌دهد.

بتوان آنها را به هم دوخت بوده است.

ثانیاً: از مجموع روایات جمع قرآن چنین استفاده می‌شود که زید بن ثابت قهرمان این داستان، جوانی است که در بیان ده‌ها صحابی وفادار و با سابقه به دلایل سیاسی مسئول گردآوری قرآن شده و چون خود وی یا فرزندش مسئول گزارش از این واقعه بوده از کار خود بزرگ‌نمایی نموده تا آنجا که حتی کمک و یاری دیگران را نادیده گرفته است، قهرآکار را بگونه‌ای تلقی نموده که اگر او چنین کاری را انجام نمی‌داد، چه بسا قرآن ضایع می‌شد، به هم می‌ریخت و مسلمانان از قرآن محروم می‌شدند!

ثالثاً: همانطوریکه حضرت آیت الله خویی در تفسیر البیان نوشته‌اند و این روایات را از نظر دلالت مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند، اولاً این روایات با روایات جمع قرآن در عهد نبوی متعارض است، ثانیاً در میان تناقض وجود دارد. ثالثاً با کتاب خدا محتوایش تعارض دارد، با دلیل عقلی سازگاری ندارد، با اجماع مسلمانان مخالفت دارد.^(۱)

پس در مجموع باید توقیفیت ترتیب سوره‌های قرآن را پذیرفت و قائل به این نظریه شد که جمع و تألیف در عهد نبوی انجام گرفته است.

با پذیرش توقیفیت ترتیب آیات و سوره‌ها، راه بر علم مناسبت هموارتر می‌گردد. لیکن نباید متوقع تناسب و مناسبت‌هایی بود که در کتابهای بشری به چشم می‌خورد، بلکه آنچه ما در قرآن از آن به مناسبت میان آیات، یاد می‌کنیم، با آنچه در تألیفات دیگران (حتی متون مقدس) وجود دارد، بسیار متفاوت است. اما به هر حال تناسبی خاص و غیر قابل انکار و بلکه اجتناب‌ناپذیر دیده می‌شود.

مناقشه در روایاتی که جمع قرآن را پس از پیامبر (ص) می‌داند و ترتیب را به اجتهاد اصحاب نسبت می‌دهد. این روایات با روایات جمع قرآن در عهد پیامبر متعارض و در میان خودشان متناقض است.

گذشته از این، چون ادله مخالفان توقیفیت دارای اشکالات فراوانی است، مثلاً لازمه پذیرفتن روایات جمع قرآن در عهد خلفا، قبول اثبات قرآن با شهود عدلین است، در صورتی که این اصل مسلم اسلامی است که قرآن با تواتر به اثبات رسیده است و همه معتقدان به اجتهادی بودن ترتیب این نکته را قبول ندارند که قرآن با دو نفر عادل ثابت شده است، لذا این روایات نمی‌تواند قابل قبول باشد.

برای اینکه موقعیت ادله موافقت روشن گردد به فهرست اسناد و مدارک و روایاتی که بگونه‌ای دلالت دارند که قرآن در عصر پیامبر (ص) به عنوان یک کتاب گردآوری شده مطرح بوده، اشاره می‌شود. این روایات به شرح زیر هستند:

۱- روایاتی که دلالت دارد، پیامبر خود به مسأله گردآوری و ترتیب قرآن اهتمام داشته است.

۲- روایاتی که بیان می‌کند اصحاب پیامبر (ص) در زمان حضرتش دست به کار گردآوری قرآن شدند و به حضور حضرت عرضه کردند.

۳- اهتمام و تشویق پیامبر به قرائت و ختم قرآن و همچنین روایاتی که گزارش می‌دهند که برخی اصحاب پیامبر (ص) در زمان حضرتش ختم قرآن کردند. و این ختم مفهومی است که قرآن ابتدا و انتهای داشته است، و یا روایاتی که می‌گویند قرآن را از آخر به اول نخوانید، که نشان می‌دهد قرآن ترتیب و نظم داشته و نظم بر آن حاکم بوده است که ابتدا و انتها برای آن فرض شده است.

اما آنچه که درباره روایات جمع قرآن در عهد خلفا مطرح است این است که اولاً آنچه درباره این حادثه تاریخی پس از پیامبر گزارش شده در فرض معقول و قابل تصور آن این است - اگر بپذیریم که واقعاً صحت داشته و ضعف سند ندارد - گردآوری در میان دو جلد بوده، یعنی آنچه قبلاً تألیف شده را بر روی نوشت‌افزاری چون کاغذ و پوست و یا در ابزاری که

۱- البیان، ص ۲۴۷، بیروت، دارالزهراء.